



انترناسیونال

۲۲۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۰ آذر ۱۳۸۶، ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

برای آزادی زندانیان سیاسی در جهت آفریقای جنوبی کردن جمهوری اسلامی ایران



خلیل کیوان

قرار دارند. لیست اتهامات وارده به دانشجویان همان یاوه های همیشگی است که همواره زندانی سیاسی تحت حاکمیت اسلامی با آن مواجهه بوده است. این

صفحه ۴

باشد. بر اساس اخباری که بدست آمده است و بر اساس تجربه سه دهه رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی میتوان تصور کرد که دانشجویان در بند در چه وضعیت دشواری

موضوع دانشجویان در بند ازعاجل ترین مسائل ماست. باید با توان و گستردگی بیش از پیش برای آزادی آنها تلاش کنیم. تا آزادی دانشجویان و همه زندانیان سیاسی این امر دائم و یک رکن فعالیت بین المللی ما باید

پاسخ حزب کمونیست کارگری به نشریه شهروند



مصطفی صابر

آهن و شرکت نفت، فعالیت در کردستان و بعد هم خارج کشور. از ابتدای تشکیل "اتحاد مبارزان کمونیست" با این جریان بودم و بعد در "حزب کمونیست ایران" و اکنون در حزب کمونیست کارگری مشغولم. فعالسردبیر نشریه "جوانان کمونیست" هستم ورئیس دفتر سیاسی حزب. در رشته

صفحه ۳

توضیح انترناسیونال: متن زیر پاسخ مصطفی صابر به سئوالات نشریه شهروند است. نشریه شهروند این سئوالات را همزمان برای احزاب مختلف اپوزیسیون ارسال کرده است.

شهرونده لطفا نام خود و عنوان سازمانی تان را بنویسید و مختصری از بیوگرافی تان را شرح دهید. مصطفی صابر: ضمن تشکر و سلام، مصطفی صابر هستم. از خوش شانس های نسل ۵۷ که در

اوین و قزلحصار یا خاوران زنده به گور نشدم ودرگیر تجارب متنوعی بوده ام: تظاهرات دانشجویی علیه شاه، قیام بهمن، جنبش بیکاران سال ۵۸، جنبش شورایی کارگران از طریق فعالیت در بین کارگران کمونیست ذوب



ستون اول

حمید تقوائی

۱۶ آذر و موقعیت کمونیسم کارگری در جامعه

قبل از ۱۶ آذر و تجمعات اعتراضی وسیع دانشجویی به این مناسبت، صفتبندی تازه ای در میان نیروهای اپوزیسیون بر سر مساله جنگ و احتمال حمله نظامی آمریکا شکل گرفت. طیف نسبتا وسیعی از اپوزیسیون شعار "نه به جنگ" را در مقابل "نه به جمهوری اسلامی" علم کرد. در این طیف هم نیروهای ناسیونال اسلامی و ناسیونالیسم پروغرب که همواره آشکارا در مقابل صف انقلاب ایستاده اند وجود داشتند و هم نیروهای چپ شکست طلب که انکار جنبش سرنگونی و قدرتگیری نقد و اعتراض سوسیالیستی در این جنبش یک جزء همیشگی خط و استراتژی سیاسی آنها بوده است. خطر جنگ در واقع زمینه نزدیک و همسوئی مخالفین و منکرین جنبش انقلابی مردم را فراهم آورد. این نیروها تلاش کردند تا مساله جنگ را به گفته خودشان به "دغدغه اصلی" جامعه تبدیل کنند. یعنی در واقع صورت مساله مردم را از سرنگونی جمهوری اسلامی و مبارزه علیه حکومت به مقابله با جنگ تغییر بدهند. در این تلاش شکست خوردند.

برخلاف این نیروها حزب ما جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری

صفحه ۲



میتینگ اعتراضی در استکهلم برای آزادی دانشجویان دستگیر شده در ایران
صفحه ۶

آیا احیای دوم خرداد ممکن است؟

حمید تقوائی
صفحه ۷

ورود شکنجه گران اسلامی به هلند ممنوع

صفحه ۵

کمپین اضطراری امنستی در کانادا

صفحه ۵

جلسه کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری برگزار شد
صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

ستون اول

اسلامی و اعتراض و نقد چپ و سوسیالیستی جنبشهای اعتراضی موجود علیه وضع موجود را نمایندگی کرد. ما اعلام کردیم هر نیروی واقعا خواهان صلح و مدنیت و جلوگیری از فاجعه جنگ است باید خواهان تشدید و گسترش مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی باشد. ما اعلام کردیم دوره دو خرداد و کلا نیروهای اپوزیسیون راست به سر رسیده است و راست برخلاف تحلیل شکست طلبان نه تنها در جامعه دست بالا ندارد بلکه در یک مقیاس اجتماعی از جنبش کمونیسم کارگری شکست خورده و منزوی وحاشیه ای شده است. (رجوع کنید به اطلاعیه "خطر جنگ و مسابقه راست روی در اپوزیسیون"، مقاله علیه جنگ یا علیه مردم"، و مباحث پلنوم ۲۹).

اعتراضات دانشجویی به مناسبت ۱۶ آذر تاکید دیگری بر صحت و حقانیت نظرات حزب بود. قدرتمانی چپ در ۱۳ آذر و حتی در دانشگاه مشهد در روز ۱۸

آذر، که قرار بود روز تحکیم وحدت آنها و صلحجویان نوع دوخردادی باشد، بساط اپوزیسیون صلح طلب و طیف دفاع از ملیت و دفاع از مدنیت در برابر جنگ را در هم ریخت. در واقع قبل از آنکه گزارش کذائی سازمانهای اطلاعاتی آمریکا زیر پای این طیف ضد جنگ را خالی کند این اعتراضات دانشجویی در ده ها دانشگاه بود که با شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "آزادی برابر" و "سوسیالیسم یا بربریت" نشان داد که تلاش این نیروها برای تبدیل جنگ به دغدغه اصلی مردم عبث و مذبحانه بوده است.

از پیش روشن بود که چنین خواهد شد. بر هر ناظر سیاسی منصفی که تجربه ۱۶ آذرهای ۵ سال اخیر و کلا اعتراضات دانشجویی، هر جا در چند سال اخیر عرض اندام کرده است (از جمله تظاهرات مهرماه دانشگاه تهران و اعتراضات دو هفته قبل از ۱۶ آذر در دانشگاه اصفهان با شعار آزادی برابر هیت انسانی) را، مد نظر قرار میداد روشن بود که صلح طلبی ناسیونالیستی نمیتواند دانشگاه را بدنبال خود بکشد.

آنچه در دانشگاهها میگذرد انعکاس وضعیت سیاسی عمومی در جامعه است. امروز حضور قدرتمند

چپ و شعارها و بیانیته ها و نقد و اعتراض سوسیالیستی به وضع موجود را در عرصه های مختلف مبارزات مردم، از مراسم یادبود قربانیان قتلهای زنجیره ای و گردهمایی در گورستان خاوران گرفته تا اول مه ها و هشت مارسها و تا اعتصابات و تجمعات چندین هزار نفره کارگران در دفاع از منزلت و معیشت، همه جا میتوان مشاهده کرد. مدتهاست جامعه از دو خرداد عبور کرده است و جنبشهای اعتراضی مردم روز بروز بیشتر و عمیق تر به خط انقلاب و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و به نقد چپ و سوسیالیستی کل وضع موجود روی آورده است. این واقعیتی است که حزب ما در شکل دهی آن نقش مهمی داشته است و در برابر ناباوران و انکار کنندگان جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم و قدرت چپ کمونیسم کارگری در این جنبش مدام بر آن تاکید کرده است.

با اینهمه نیروهای مخالف و منکر جنبش سرنگونی استعداد غریبی در ندیدن این واقعیات دارند. حتی امروز پس از به صحنه آمدن قدرتمند چپ در ده ها دانشگاه که علیرغم دستگیریها و بگیر و ببندهای پیشگیرانه حکومت صورت گرفت، ترجیح میدهند در گزارشات خبری شان و تحلیل و بررسی هایشان از اعتراضات دانشجویی همچنان شعار نه به جنگ را برجسته کنند اما از شعار "سوسیالیسم یا بربریت" و "زنده باد سوسیالیسم" حرفی بمیان نیاورند. بر واقعیات غیر قابل انکاری که حضور چپ در اعتراضات اجتماعی را نشان میدهد و در واقع زمینه اجتماعی حضور چپ در دانشگاه است چشم می بندند و در عوض در باب احتراز از چپ روی و انزوا و افراطی گری قلمفرسائی میکنند. جناح چپ اپوزیسیون ضد جنگ در مورد خطر تندروی و برخورد ایدئولوژیک و ایزوله شدن چپ در دانشگاه ها هشدار میدهد، و جناح راست آن اعلام میکند دستگیری و زندان حق دانشجویان "افراطی" است! اینها اظهار لحنه های مخالفین و منکرین جنبش انقلابی و نقد و اعتراض سوسیالیستی جاری و حی و حاضر

در جامعه است. ۱۳ آذر امسال نه تندروی بود و نه بیسابقه و ابتدا باسکن، نه یک حرکت ایدئولوژیک بود و نه اقدامی زودرس و یا ایزوله و منفرد. این نوع ارزیابی ها فقط میتواند از نیروهای ساطع شود که سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی را زودرس و افراطی میدانند.

واقعیت آنست که جنبش دانشجویی امروز، و در چند سال اخیر، با "آزادی برابری" و "سوسیالیسم یا بربریت" تداعی میشود و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نه تنها تمایل و گرایش عمومی توده دانشجویان بلکه خواست و حرف دل اکثریت عظیم مردم ایران را نمایندگی میکنند.

موقعیت و نفوذ آزادیخواهی و برابری طلبی کمونیستی در دانشگاهها به نوبه خود ثمره و انعکاس مشخص نفوذ و پیشروی جنبش کمونیسم کارگری در سطح جامعه است. جنبش های راست، ملی اسلاميون و ناسیونالیسم پرو غرب، زیر فشار نقد سیاسی کمونیسم کارگری و تجربه عینی توده مردم، در جامعه حاشیه ای و منزوی شده اند. این نیروها امروز بر محور یک مساله اساسی (اساسی از نظر کل بالائینها اعم از دولت آمریکا و جناحهای مختلف جمهوری اسلامی و نیروهای اپوزیسیون بورژوازی) یعنی نزدیکی با آمریکا و تبدیل شدن به طرف مذاکره و معامله و نماینده دموکراسی و رژیم جنج نوع آمریکائی با هم مسابقه گذاشته اند و به یکدیگر دور و نزدیک میشوند و خط و موضع عوض میکنند. این "گفتمان غالب" در صفوف بالائی ها است. گفتمان صف مقابل، سوسیالیسم است. در مقابل بالائی ها و اختلافات و سازشها و جنگ و صلحشان صف کمونیسم کارگری قرار دارد و صف انقلاب و اعتراضات مردم، صف جنبش سرنگونی و "نه" سوسیالیستی بخش اعظم جامعه به حکومت و به کل وضع موجود.

محور این قطبندی طبقاتی، قطبندی بین راست و چپ در جامعه، مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است و مضمون این مبارزه انقلابی را نقد و اعتراض انسانی، اعتراض از موضع سوسیالیسم منصور حکمت که اساس آن انسان و انسانیت است، تشکیل میدهد. در جامعه ایران

انقلابی برای رهائی انسان و بازگرداندن اختیار به انسان، یک انقلاب سوسیالیستی در حال شکل گیری است. جنبش کمونیسم کارگری این انقلاب را نمایندگی میکند و جنبشهای اعتراضی مردم و از جمله جنبش دانشجویی با سرود و شعارها و بیانیته های سرخ نشانه ها و بارقه هائی از این انقلاب اند.

تنها بر این مبنا و تحلیل از وضعیت عمومی سیاسی در جامعه است که میتوان از تحولات جاری در جامعه، و از جمله اعتراضات دانشجویی شناخت واقعی و درستی بدست آورد و مهمتر از آن راه پیشرویهایی بیشتر جنبش انقلابی و سوسیالیستی را هموار کرد.

تا آنجا که به اعتراضات امسال دانشجویان بمناسبت ۱۶ آذر مربوط میشود مساله محوری امروز سازمان دادن یک کارزار موثر و قدرتمند برای آزادی دانشجویان زندانی است. تبلیغات و پرونده سازی جمهوری اسلامی برای دانشجویان زندانی نمونه بارز برخورد حکومتی دیکتاتوری و مافوق ارتجاعی به چپ و کمونیسم است. وابستگی به نیروهای بیگانه، توطئه برای تجزیه مملکت، فساد اخلاقی، تدارک آشوب مسلحانه در خانه های تیمی و خزعاتی از این قبیل ترجیح بند تبلیغات کلیه حکومتیهای فاشیستی از قبیل شاه و پینوشه و خونتاهای نظامی آمریکای لاتین علیه مخالفین کمونیست خود بوده است. همزمان با تعمیق و شفاف تر شدن صفبندی طبقاتی در جامعه جمهوری اسلامی نیز ناگزیر به پرونده سازیها و تبلیغات کلاسیک دولتهای سرمایه داری علیه مخالفین کمونیستشان روی می آورد. این که باید با قدرت پاسخ بگیرد. جمهوری اسلامی را میتوان و باید به عقب نشاند و دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی را آزاد کرد.

در این کارزار نه تنها کمونیستها بلکه هر نیروی که مدعی آزادیخواهی است باید با تمام قوا شرکت کند و خواهان آزادی بی قید و شرط دانشجویان، و کلیه زندانیان سیاسی، شود. تعرض همه جانبه به جمهوری اسلامی در سطح جهانی جزء مهمی از این کارزار است. دستگیری و پرونده سازی برای دانشجویان چپ برگ سیاه

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید:

میتوانید از طریق دوستانتان

در خارج به حساب های

فوق واریز کنید، و یا با

شماره تلفن

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های

دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد

میزان و مشخصات مبلغ واریز

شده و اسمی که باید اعلام شود

را به ما اطلاع دهید.

دیگری در پرونده جنایات این حکومت است، باید کل این پرونده را در مقابل چشم جهانیان قرار داد. باید جهانیان بدانند که جمهوری اسلامی حکومت مردم ایران نیست، قاتل آنان است. حزب ما همواره اعلام کرده است که جمهوری اسلامی باید مانند رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در جهان ایزوله و منزوی شود. اکنون در نبرد برای آزادی دانشجویان و کلیه زندانیان سیاسی باید با تاکید و برجستگی بیشتری این خواست و مطالبه مردم ایران را در برابر جهانیان قرار داد. *

از صفحه ۱ پاسخ حزب کمونیست کارگری...

طراحی صحنه و انیمیشن تحصیل کرده ام. فعلا مدرس طراحی از بدن انسان هستم.

شهروند: سازمان خود را به طور خلاصه معرفی کنید و آخرین تغییر و تحولات درون آن را عنوان کنید.

مصطفی صابری: حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ سال پیش (سال ۹۱) در چنین روزهایی، در اوج رجز خوانی بورژوازی جهانی در مورد "کمونیسم مرد" و "پایان تاریخ" و در واقع در دوره شکست کمونیسم بورژوازی و عروج "نظم نوین جهانی" تشکیل شد. کمونیسم کارگری جنبش طبقه کارگر و همه مردم محروم برای رهایی انسان در جهان معاصر است. حزب ما در اساس محصول عروج همین جنبش در دل انقلاب ۵۷ و خود آگاه و متحزب شدن آن به یمن تلاش انقلابیون مارکسیستی نظیر منصور حکمت است. از جنبش شورایی کارگران سالهای ۶۰-۵۷ تا اول مه ها و ۸ مارس های سرخ سنندج، تا مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی در کردستان و مقابله باحزب بورژوازی کرد، تا جا انداختن بسیاری شعارها و مطالبات گوناگون در فضای سیاسی ایران، از آزادی بی قید و شرط سیاسی، تا لغو مجازات اعدام، تا برابری بی قید و شرط زن و مرد، تا آزادی و برابری و غیره در سابقه این جنبش و این حزب قرار دارد. حزب ما بخصوص در جریان شکست دوم خرداد و عروج جنبش انقلابی سرنگونی طلبانه کارگران و زنان و جوانان به عنوان یک حزب دخیل در اوضاع سیاسی ایران مطرح شده است و هر روز بیش از قبل به پرچمدار جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری تبدیل میگردد. هدف فوری حزب سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی کارگران و مردم انقلابی و برقراری جمهوری سوسیالیستی است.

آخرین تحول مهم حزب کنگره ششم است که قطعنامه هایی در مورد رشد گرایش سوسیالیستی در جامعه، افول نظم نوین جهانی و عروج چپ و جنگ و ضرورت سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی را تصویب کرد. برای آشنایی بیشتر، دیدن اسناد و همینطور فیلم های این

کنگره علنی که بطور زنده از اینترنت پخش میشد، به این لینک مراجعه کنید.

<http://www.wpiran.org>

شهروند: موضع حزب شما در قبال خطری که امروزه بر سر ایران سایه افکنده و آن حمله آمریکا به ایران است، چیست؟

مصطفی صابری: "خطری که امروزه بر سر ایران سایه افکنده" ساخته پرداخته آمریکا و جمهوری اسلامی هر دو، و در ادامه سیاست های نظم نوینی آمریکا و جنگ قدرت بین میلیتاریسم دول غربی و تروریسم اسلامی است. "حمله آمریکا به ایران" در ادامه این سیاست ها و این جدال قدرت البته محتمل است. این احتمال حتی اگر یک در هزار باشد، عواقب آن بویژه برای کارگران و مردم محروم چنان دهشتناک است که باید با تمام قوا علیه آن مبارزه کرد. نیرویی که میتواند جلوی جنگ را بگیرد یا عواقب آن را کاهش بدهد، کارگران و مردم انقلابی هستند. هر اندازه مردم ایران برای بدست گرفتن سرنوشت خود به میدان بیایند و حمایت وسیع مردم جهان را جلب کنند این واقعی ترین نیروی مقابله با جنگ است. اقدام اساسی بسط مبارزه کارگران و مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و قدرت گیری مستقیم شوراهای کارگران و مردم انقلابی (یک جمهوری سوسیالیستی) است.

اما اگر جنگ یک احتمال است، هم اکنون جلوی چشمان ما اتفاقاتی در جریان است که خطرش کمتر از حمله نظامی نیست. و آن توجیه و تظہیر سیاست ها و راه حل های بالایی ها به زور تهدید جنگ است! چه آمریکا، چه جمهوری اسلامی و چه اپوزیسیون پرو رژیم و یا پرو آمریکا علیرغم اختلافاتشان در این یکی دینفع اند. خطر جنگ است کمتر مصرف کنید! تحریم کرده اند، دستمزد نخواهید! اعتصاب نکنید! خطر جنگ است! از دولت خودی حمایت کنید! خطر جنگ است! از آن بخش "صلح طلب" حکومت حمایت کنید! جنگ است! دماغ تان را بگیرید و در کنار خاتمی و رفسنجانی و حتی احمدی نژاد بایستید! جنگ محتمل است برای یک جمهوری اسلامی حقوق بشری جنگید! و... اما ما از دنیای آنها

راضی نیستیم که ما را به مرگ "خطر جنگ" بگیرند تا به تب "وضع موجود" راضی شویم. هم اکنون نیز جنگ عظیم و مدهش سیاسی، اقتصادی، پلیسی و انتظامی (که آنها "صلح" می نامندش!) هر روز علیه ما جریان دارد. اتفاق آن جنگ نظامی خانمان برانداز هم که همه از آن وحشت داریم برای حفظ همین "صلح" آنها (یعنی نظم موجود) ضروری میشود. وظیفه ما جلوگیری از همه اینها است. تغییر کل این اوضاع است.

در حقیقت همه کسانی که دارند در سایه ترساندن مردم از خطر جنگ، جمهوری اسلامی یا سیاست های آمریکا را توجیه میکنند، زمینه جنگ را فراهم میکنند و خود جنگ طلبان واقعی اند! چرا که تا وقتی جمهوری اسلامی یکسو و آمریکا سوی دیگر این دعوا است همواره احتمال و خطر جنگ وجود دارد. تنها راه واقعی مقابله با جنگ، برهم زدن کل این معادله و دخالت فعال مردم در اوضاع است. این تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی و قدرت گیری مستقیم مردم ندارد.

لذا ما سیاست تعرضی در قبال تهدید جنگ و تلاش های فوق پیش گرفته ایم. تلاش برای گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و جنگ و تحریم و سیاست های نظم نوینی. مبارزه برای افشای همه ریزه خواران جنگ و تهدید جنگی چه در دفاع از رژیم و چه در دفاع از آمریکا. گسترش مبارزه کارگران برای خواسته ها و مطالبات خودشان، علیه تحریم اقتصادی و بهانه رژیم برای کاهش معیشت. تلاش علیه آپارتاید جنسی و بی حقوقی زنان و علیه حجاب. تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی. گسترش مبارزه علیه فشارهای رژیم در دانشگاه. گسترش مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی و بی مسکنی. تلاش برای متشکل شدن هرچه وسیعتر کارگران و معلمان و دانشجویان بر علیه جنگ و جمهوری اسلامی و همه نیرویهایی که میخواهند جمهوری اسلامی را حفظ کنند و یا از بالای سر مردم و با رژیم چنج "آمریکایی مصیبت دیگری را تحمیل کنند. ما مردم را دعوت میکنیم تا در این اوضاع دخالت کنند، برای گرفتن خواست ها و مطالبات خود قدم پیش بگذارند از

هم اکنون در تدارک قدرت گیری و اداره امور به دست خود باشند، حول حزب متشکل شوند، در انواع تشکل های توده ای متشکل شوند. و دقیقا اگر چیزی قرار است جلوی جنگ را بگیرد همین نیروی به میدان آمده کارگران و مردم با پرچم خواسته های خودشان یعنی برقراری آزادی و برابری است.

شهروند: رابطه ی حزب شما با سایر گروه ها و احزاب اپوزیسیون خارج کشور چگونه است؟ آیا با همه آنها بر سر میز مذاکره و تبادل نظر خواهید نشست؟

مصطفی صابری: ما اولین جریانی در سیاست ایران هستیم که سنت کنگره علنی و دعوت از همه اپوزیسیون از راست تا چپ برای شرکت در کنگره مان را گذاشتیم. شخصا فکر میکنم با هر جریان سیاسی معقول و متمدن اپوزیسیون میتوان سر یک میز نشست و حرف زد. اینکه هدف از این گفتگو چه باشد و به چه معضلی پاسخ میدهد موضوع دیگری است. واقعیت این است که در اپوزیسیون نیروهای اجتماعی بسیار متفاوت و گاه با اهداف متناقضی هستند. علاوه فکر کنم همیشه دنیای واقعی جدال طبقات و جنبش ها و احزاب در صحنه جامعه و سیاست است که سرنوشت میز مذاکره را تعیین میکند.

شهروند: آیا برای نظام ایدئولوژیک در ایران آینده ای می بینید؟

مصطفی صابری: سؤال روشن نیست و تعابیر مختلفی میشود کرد:

- منظور از "نظام ایدئولوژیک" آیا یک نظام و حکومت مذهبی است؟ همه میدانند که حکومت آینده ایران هرچه باشد یک حکومت مذهبی نیست. حتی دشوار بتوانند "مذهب رسمی" مثلا اسلام را خود مردم بدهند. جامعه آینده ایران غیر مذهبی است.

- منظور از "نظام ایدئولوژیک" میتواند یک نظام سرمایه داری" حالا با هر حکومتی - دموکراسی پارلمانی، سلطنتی، آریامهری، ژنرال مشرفی، "دموکراسی" نوع ترکیه ای و غیره- باشد. (ایدئولوژی این نظام دفاع از مالکیت خصوصی و سرمایه است.) آینده این "نظام ایدئولوژیک" در ایران چیست؟ برای نظام سرمایه داری در آینده ایران شانس خیلی زیادی نمی

بینم، بویژه برقراری یک سرمایه داری دموکراتیک با ایدئولوژی لیبرال یک توهم محض است. اگر در مقطع کوتاهی هم بورژوازی مجبور شود تحت فشار طبقه کارگر و کمونیست ها به درجه ای از آزادی و دموکراسی گردن بگذارد، به سرعت یا باید به سرمایه داری سرکوبگر نوع کشورهای جهان سومی تبدیل شود. یا سوسیالیسم جایگزین آن شود. تنها در یک صورت برای نظام ایدئولوژیک سرمایه داری "آینده ای" می بینم. و آن اینکه بتوانند جنبش عظیم سرنگونی طلبانه و چپ موجود که علیه جمهوری اسلامی در جریان است و طبقه کارگر و کمونیسم کارگری ستون فقرات آن را تشکیل میدهد به خاک و خون بکشند و بهر حال به نحوی شکست دهند. که این البته کار آسانی نیست.

- ولی شاید مقصود از "نظام ایدئولوژیک" یک نظام سوسیالیستی و کمونیستی است؟! در این حال باید بگویم این تنها شانس جامعه ایران برای برقراری یک "نظام غیر ایدئولوژیک" است.

جامعه کمونیستی (بر خلاف سرمایه داری های دولتی ای که با شکست انقلاب اکتبر به نام "سوسیالیسم" شکل گرفت) یک جامعه یا نظام ایدئولوژیک نیست، بلکه جامعه ای است که در آن استثمار و طبقات و دولت از بین رفته و جایی برای ایدئولوژی به معنای معمول وجود ندارد. حتی در مراحل اولیه کمونیسم هم که هنوز حکومت کارگری هست و طبقات از بین نرفته، ما با یک حکومت و جامعه ایدئولوژیک مواجه نیستیم. برعکس با جامعه و حکومتی روبرو هستیم که قدم به قدم در راه نابودی بردگی مزدی و استثمار و طبقات پیش میرود. خصلت حکومت کارگری نه در ایدئولوژیک بودن، که اتفاقا برعکس ضد ایدئولوژیک (اگر بشود چنین اصطلاحی به کار برد) بودن آنست. حکومت کارگری حکومت مستقیم و بلافضل همه شهروندان است. ایدئولوژی رسمی ندارد. حکومت کارگری مبارزه طبقاتی را به وسیع ترین شکل ممکن بسط میدهد، اما نه برای اینکه حاکمیت یک طبقه معین و یک ایدئولوژی معین را تثبیت کند. برعکس، برای اینکه حاکمیت طبقاتی را برای همیشه الغاء

از صفحه ۳ پاسخ حزب کمونیست کارگری...

کند. سوسیالیسم جامعه آزاد انسانهای آزاد است.

شهروند: چه موضوع هایی برای حزب یا سازمان شما در اولویت قرار دارند؟

مصطفی صابر: لیست طولانی است. همه آن موضوعاتی که برای زندگی مهم است یعنی برای کارگران و زنان و جوانان در اولویت قرار دارد. از کمترین بهبود در وضع زندگی مردم، از افزایش دستمزد و آزادی اعتصاب و تشکل گرفته تا لغو حجاب و منع دخالت در زندگی خصوصی مردم تا آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام و برابری زن و مردتا مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و قدرت گیری شوراهای خود مردم و برقراری سوسیالیسم در اولویت ما قرار دارد. همیشه هم برای رسیدن به همه اینها نیرو کم داریم و به یک چیزهایی نمی رسیم و از کار خودمان ناراضی هستیم. اولویت بلافصل ما طبعا امروز ساختن حزبی عظیم و اجتماعی است که ستون فقرات مبارزه مردم برای بهبود زندگی شان و مقابله با خطراتی باشد که جامعه را تهدید میکند. به عبارت دیگر تبدیل کردن نفوذ اجتماعی گسترده حزب کمونیست کارگری به یک سازمان منظم و محکم و سراسری حزبی، یا متحزب کردن فعالین و پیشروان جنبش کمونیسم کارگری و رهبران اعتراضات مردم اولویت فوری و مهم ما است.

شهروند: تقریبا اکثر احزاب سیاسی اپوزیسیون مخالف برپایی زنان و اعدام و شکنجه هستند. فرض کنیم شما به قدرت رسیدید، با مخالفان شما چه رفتاری خواهید داشت؟

مصطفی صابر: اگر اشتباه نکنم، ما اولین حزب سیاسی ایران هستیم که لغو مجازات اعدام را به عنوان یک اصل در برنامه مان وارد کردیم و در هر حال جانانه برای آن کوشش کرده ایم. این عبارت منصور حکمت "اعدام قتل عمد حکومتی است"

اغراق نیست اگر بگویم دارد جهانگیر میشود. هم اکنون یک جنبش عظیم علیه اعدام در ایران وجود دارد که نقش حزب ما و کسانی مثل مینا احدی در آن شناخته شده است. اینها را هرچند غرور آمیز، جهت تعریف از خودمان نگفتم. میخواستیم بگویم که ما حتی قبل از اینکه به قدرت برسیم داریم فرهنگ سیاسی جامعه را در جهت رعایت حرمت انسان تغییر میدهم، حالا تصورش را بکنید اگر ما در قدرت باشیم!

اگر ما به قدرت برسیم یعنی اینکه همین تغییراتی که از جمله ذکرش رفت ضربدر میلیون شده است. به قدرت رسیدن ما شمره یک انقلاب عظیم اجتماعی است که هم الان به طور بطنی جریان دارد. و این انقلاب هزار بار انسانی تر، متعالی تر، نوع دوستانه تر و خیره کننده تر از وقتی است که هنوز در اپوزیسیون است و زیر فشار اعدام و شکنجه و زندان و فقر و فلاکت و کمبود امکانات نتوانسته با تمام قامت سربلند کند. بنا بر این وقتی ما به قدرت برسیم انسانیت به قدرت رسیده است. کارگران، مردم و شوراهای ارگان های بلافصل اعمال قدرت شان به حکومت رسیده اند. کسانی به قدرت رسیده اند که در تظاهرات ۲۰ هزار نفره شعار "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" سر میدهند یا همین دو هفته پیش در دانشگاه اصفهان "آزادی، برابری، هویت انسانی" را فریاد زدند. یکی از اولین مفاد بیانیه چنین حکومتی قطعا لغو اعدام و زندان و شکنجه است. مخالفان چنین حکومتی از تمام حقوق شهروندی، از آزادی بی قید شرط بیان و همه آزادی های سیاسی برخوردارند، لایه احزاب و ارگانهای خودشان را دارند و برای قدرت گیری در شوراهای تلاش میکنند. چنین حکومتی از آنجا که به شدت وسیع و توده ای و خود مردم متشکل به صورت دولت است، بسیار با ثبات و اعتماد به

نفس است و با بیشترین سعه صدر به مخالفین برخورد میکند. چون اساس اش انسان است و "مخالف" هم انسان است. راستش به نظر من سوال واقعی این است: آن "مخالفان" فرضی در مقابل یک چنین حکومتی چه رفتاری دارند! و چرا مخالف اند؟

شهروند: در رابطه با مسئله ملیت های ایران (ترک، کرد، عرب، بلوچ و...)، حزب شما چه راه حلی را مناسب می بیند؟

مصطفی صابر: ما مخالفت سرسخت هرگونه هویت تراشی ملی و قومی برای انسانها هستیم. شعار ما همان است که جوانها در دانشگاه بالا بردند: یک زمین، یک نژاد، یک انسان! این وصف ما متاسفانه با دنیایی روبرو هستیم که انسانها را با هویت های کاذب فارس و ترک و عرب و کرد و ژاپنی و آمریکایی به جان هم انداخته اند. در واقع یکی از بدترین جلوه های وحشیگری مدرن همین ستمگری و تحقیر و تفرقه ملی انسانها است. ما برای برچیده شدن تمام اینها تلاش میکنیم. ملیت تراشی و بعد اعمال ستم ملی ساخته پرداخته ناسیونالیسم است. چه ناسیونالیسم (بخوانید بورژوازی) ستمگر و چه ناسیونالیسم تحت ستم. کارگران میهن ندارند!

تا آنجا که به جغرافیایی به نام ایران برمیگردد ما برای اتحاد سراسری همه کارگران و مردم محروم و ساختن جامعه ای تلاش میکنیم که نه بر اساس هویت ملی یا هویت مذهبی و هویت های کاذب دیگر، که بر اساس نوع دوستی و حرمت انسان و آزادی و برابری و رفاه همگان بنا شده است. ما سر سخنان علیه هرگونه ستمگری ملی، یا توهین و تحقیر ملی مبارزه میکنیم. در کردستان ستم ملی به مساله ملی تبدیل شده است. لذا ما خواهان برگزاری یک رفاندنم آزاد و تصمیم گیری آزادانه مردم مناطق کرد نشین به

ماندن در چهارچوب جغرافیایی و سیاسی واحد و یا جدایی و تشکیل دولت مستقل هستیم. ما مخالف هرگونه طرح فدرالی هستیم چرا که فکر میکنیم این گونه طرح ها جدایی و تفرقه و ستم ملی را تداوم میدهد. در جامعه ای که ما خواهان آن هستیم همه انسانها شهروندان متساوی الحقوق هستند.

شهروند: با مسئله زبان مادری چگونه برخورد می کنید و چه حقوقی برایش در نظر می گیرید؟

مصطفی صابر: برنامه حزب ما در بند "اعتبار زبان های رایج در کشور" میگوید:

"ممنوعیت زبان رسمی اجباری دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را به عنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد."

فکر کنم به اندازه کافی گویا باشد. ما مخالف زبان رسمی اجباری هستیم و خواهان تسهیلات برای تمام زبانهای رایج کشور هستیم. اما تمایل ما در عین حال این هم هست: "زبان انگلیسی، با هدف تبدیل گام به گام آن به یک زبان آموزشی و اداری متداول در کشور، از سنین پائین در مدارس آموزش داده شود." به عبارت دیگر همانطور که برنامه ما میگوید ما خواهان گام برداشتن به این سو هستیم که مردم ایران بعد از یکی دو نسل به زبان انگلیسی تسلط داشته باشند و این زبان هم در کشور متداول شود چرا که فکر میکنیم آینده جهان در گرو تماس و ارتباط وسیع مردم جهان با هم است و به نظر میرسد زبان انگلیسی به دلایل تاریخی این نقش را بر عهده گرفته است. برای ما زبان اولویت ما قرار دارد. *

مقدس نیست، انسان مقدس است.

شهروند: فکر می کنید در داخل ایران و بویژه برای نسل جوان چقدر شناخته شده هستید و چقدر مردم به رهنمودهای شما توجه و عمل می کنند؟

مصطفی صابر: فکر می کنیم شعارهای مردم و بویژه نسل جوان شعارها و مطالبات ماست و بالعکس، شعارها و مطالباتی که ما در برنامه یک دنیای بهتر مطرح کرده ایم اکنون وسیعا در جامعه مطرح است. کافیسیت به اجتماعات اعتراضی، ۱۶ آذرها، اول مه ها و ۸ مارس ها و اجتماعات خاوران و تظاهرات معلمان نگاه کنید. از شعار آزادی و برابری که اکنون یک شعار اصلی تبدیل شده است، تا لغو حجاب و لغو آپاراتاید جنسی، تا سوسیالیسم یا بربریت تا معیشت منزلت حق مسلم ماست، تا همین شعار "مجمع عمومی حق مسلم ماست" کارگران هفت تپه همه شعارهای جنبش و حزب ما است. کلا از ۱۸ تیر و کنفرانس برلین و شکست دوم خرداد به این سو شعارها در جامعه دمبدم رادیکالتر و سوسیالیستی تر شده و جنبش ما متعین تر و پرقدرت تر ظاهر شده است. حزب ما در این تعین بخشیدن سهم بسزایی داشته است.

نسل جوان خواهان یک زندگی مدرن و سکولار و مرفه و آزاد و برابر و بویژه خلاصی از تمام عقب ماندگی های اسلامی و شرقی است. فکر کنم در بین جریان های سیاسی ما روشن تر از همه خواست های آنها را نمایندگی میکنیم. به نظر من ما حزب آنها، حزب اکثریت هستیم، ولی اینکه در صحنه عمل اجتماعی این پیوند برقرار شود هنوز کار داریم. رابطه ما با طبقه کارگر، با جنبش زنان و جنبش خلاصی فرهنگی جوانان هنوز اساسا یک رابطه سیاسی و معنوی است. هنوز در ابعاد وسیع به رابطه محکم و تشکیلاتی تبدیل نشده است. همانطور که بالاتر گفتم تبدیل کردن این رابطه جنبشی به یک رابطه تشکیلاتی و سازمان یافته در اولویت ما قرار دارد. *

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ورود شکنجه گران اسلامی به هلند ممنوع در مورد دعوت اسپانسور رادیو زمانه از حسین شریعتمداری

ورود شکنجه گران اسلامی به خارج کشور ممنوع است. نباید اجازه داد قاتلین مردم ایران میکروفون بدست گیرند. جای اینها نه در پشت میکروفون بلکه بخاطر جنایاتی که مرتکب شده اند، روی صندلی دادگاه است.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران واحد هلند همه شما را فرا میخواند که به سازمان پرس نو و رادیو زمانه اعتراض نمایید. نباید اجازه دهیم کارگزاران و شکنجه گران رژیم اسلامی در هلند بساط خود را پهن نمایند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - هلند
۲۰ دسامبر ۲۰۰۷، ۲۹ آذر ۸۶

کمیونستها را بقتل رسانده است. ما به سازمان پرس نو و رادیو زمانه اجازه نمی دهیم هلند را به محل امنی برای رفت و آمد قاتلین اسلامی تبدیل نماید. قربانیان و جانباختگان جنبش آزادیخواهی مردم ایران کیسه خلیفه نیست که "ویلکو دیونگه" مدیر موسسه پرس نو از آن بدل و بخشایش نماید.

مردم آزادیخواه نیروهای انقلابی و مترقی خارج کشور جولانگاه سران و کارگزاران جمهوری اسلامی نیست.

تحت هیچ پوشش و بهانه ای نباید پای جنایتکاران جمهوری اسلامی در خارج کشور باز شود. هیچکس مجاز نیست و نباید راه را برای حضور اوپاش ضد زن و سرکوبگر

زمانیکه تعداد وسیعی از رسانه های بین المللی مصاحبه مطبوعاتی مینا احدی مسئول سازمان ایکس مسلم در هلند را مخایره می کردند رادیو زمانه و پرس نو یادشان نیفتاد که از وی برای "دیدار" و گفتگو دعوت نمایند؟ و حتی از پخش خبر مصاحبه مطبوعاتی هم خودداری نمودند. چرا رادیو زمانه تا نوبت به اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران میرسد فیلش هوای "استقلال" می کند ولی درها را شش طاق برای جانان اسلامی باز نگه میدارد؟

اجازه نمی دهیم جانان اسلامی پیشان به هلند باز شود. حسین شریعتمداری شکنجه گر و تیر خلاص زن زندان اوین است که تاکنون تعداد نامعلومی از آزادیخواهان و

وزارت اطلاعات است که تاب شنیدن "انتقادات" عموزاده های خود را هم ندارد. این برای همه روشن است. اما روشن نیست که این چه "زورنالیسم مستقلی" است که حسین شریعتمداری قاتل فعالین سیاسی و آزادیخواهان را برای نظارت بکار خود و "رفع اتهام" به هلند دعوت می کند؟ چرا زمانیکه دانشجویان چپ را دسته جمعی دستگیر می کنند و توسط هم مسلکی های حسین شریعتمداری در زندان اوین و بازداشتگاه های سپاه مورد شکنجه قرا می گیرند، "وجدان" رسانه ایی پرس نو و رادیو زمانه دچار عذاب نمی شوند و زبان بکام می گیرند؟ چرا قربانیان و شکنجه شده ها را به رادیو زمانه دعوت نمی کنند؟ چرا

روزنامه کیهان با انتشار مقاله ایی بقلم حسین شریعتمداری، با ایراد اتهاماتی بر علیه رادیو زمانه که یک رادیو سراسری فارسی زبان در هلند میباشد، مدعی شد که این رادیو با حمایت پارلمان هلند و مشارکت سرویس اطلاعاتی آن کشور، خط مشی اسلام ستیزی و گسترش فحشا را دنبال می کند. "ویلکو دیونگه" مدیر موسسه هلندی "پرس نو" که اسپانسور اصلی رادیو زمانه میباشد، در عکس العمل به نوشته کیهان با رد اتهامات ایراد شده، از حسین شریعتمداری برای دیدار از این سازمان و رادیو زمانه دعوت نمود که به هلند بیاید.

اتهامات روزنامه کیهان، پدیده جدیدی نیست. این "زبان فرهنگی"

سوسیالیسم پیا خیز! برای رفع تبعیض

دستگیری دانشجویان اعتراض کنند و خواهان آزادی فوری دانشجویان دریند و همه زندانیان سیاسی شوند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ دسامبر ۲۰۰۷، ۲۹ آذر ۸۶

دستگیر شدگان مورد شکنجه و رفتار ناشایست قرار نگیرند.

- خواهان آن شوید که دستگیر شدگان از همه حقوق زندانیان و از جمله تماس با خانواده ها برخوردار باشند.

حزب کمونیست کارگری از همه مردم آزادیخواه دعوت میکند به هر ترتیب که میتوانند به

همچنین وزیر کشور جمهوری اسلامی ارسال دارند. امنستی توصیه کرده است که اعتراضیه ها از جمله حاوی این نکات باشد:

- خواهان آزادی فوری کسانی شوید که فقط بخاطر ابراز عقاید تظاهرات مسالمت آمیز کرده اند.
- خواهان جزئیات اتهامات به دستگیر شدگان شوید.
- خواهان این شوید که

خطر شکنجه قرار دارند." در این فراخوان به "اقدام اضطراری"، عفو بین الملل کانادا اسامی بسیاری از دانشجویان زندانی همراه با سابقه خبری موضوع را توضیح داده و همه اعضا و دوستان خود را فراخوانده است تا نامه ها و اعتراضیه های خود را برای خامنه ای، احمدی نژاد، شاهرودی و

در پی تماس فعالین حزب کمونیست کارگری در تورنتو، عفو بین الملل کانادا کمپین اضطراری برای آزادی دانشجویان زندانی را در دستور گذاشته است. عنوان این کمپین چنین است:

"مقامات ایرانی دهها دانشجو را بخاطر يك تظاهرات مسالمت آمیز برای بیان عقاید خود دستگیر کرده اند. دانشجویان در

بشر، ده ها سازمان مدافع حقوق زن و ده ها ژونالیست وفادار به حقیقت را با خود همراه کنیم. باید کاری کنیم که سازمانهای کارگری جهان که بارها در دفاع از کارگران زندانی در ایران اعتراضات بین المللی سازمان دادند، با عزمی محکمتر در دفاع از زندانیان سیاسی بیدان بیایند. باید کاری کنیم که هر نوع رابطه دولت ها و نهادهای بین المللی با جمهوری اسلامی ایران بعنوان یکی از مصادیق ضد بشری ترین رژیم های تاریخ بشر، منع شود. باید کاری کنیم که مناسبات سیاسی و دیپلماتیک با این رژیم قطع شود. آنوقت مردم ایران پیکر فرتوت این رژیم کریه را ساده تر مدفون خواهند کرد.*

با وسعت کم سابقه ای به میدان بیابیم و نیروی عظیمی را در جهان در حمایت از مبارزات مردم بر بستر تلاش برای رهایی زندانیان سیاسی بسیج کنیم. باید کاری کنیم که جهان همان رویه ای را با جمهوری اسلامی در پیش گیرد که در مقابل رژیم آپارتاید نژادی داشت. آفریقای جنوبییزه کردن جمهوری اسلامی ایران. این شدنی است. برای آفریقای جنوبییزه کردن جمهوری اسلامی ایران باید تلاش هدفمند و سازمانیافته و با قدرت و پیوسته ای را در دستور داشت. این يك امر ثابت ما باید باشد. باید کاری کنیم که ده ها اتحادیه دانش آموزی و دانشجویان در بند و همه زندانیان سیاسی تلاش کنیم بلکه با قدرت و

جبهه های نبرد متعدد است. در شرایط حاضر نبرد با جمهوری اسلامی در جبهه مبارزه برای رهایی زندانیان سیاسی به مرحله خطیری وارد شده است. مساله زندانیان سیاسی در ایران این پتانسیل را دارد که به يك موضوع اساسی در کشمکش رژیم و مردم بدل گردد. و نه فقط این بلکه، به يك موضوع سیاسی مهم و کم سابقه در سطح بین المللی تبدیل گردد. تا همینجا هم با عکس العمل وسیع نیروهای اپوزیسیون انعکاس وسیعی در جهان داشته است. اما ابعاد آن میتوان بسیار گسترده تر شود. از اینرو، ما نه فقط موظف ایم برای آزادی دانشجویان در بند و همه زندانیان سیاسی تلاش کنیم بلکه با قدرت و

از صفحه ۱ برای آزادی زندانیان سیاسی...

آزادیخواهان بلرزه افتاده اند. میخواهند ضرب شصت نشان دهند. نباید اجازه داد!

مساله زندانیان سیاسی يك موضوع اساسی و مهم در کشمکش های سیاسی در کشور اختناق زده است. یکی از بارومترهای توازن قوای مردم و ارتجاع حاکم است. از اینرو موضوع زندانی سیاسی در دوره هائی میتواند به يك جبهه کشمکش مهم برای تغییر توازن قوا بین سرکوبگران و جبهه آزادی خواهی بدل شود. جامعه میتواند برای آزادی زندانی سیاسی بحرکت آید، بسیج شود و منشا تحولات مهم دیگری گردد.

نمایشی تکراری و رنگ باخته و یادآور روش تهوع آور و ضد انسانی جنایتکاران حاکم بر ایران در مقابل مخالفان سیاسی خود است. همه از کاربرد کابل و بیخوابی و تهدید و فشار روانی و شکستن زندانی و برپائی شوهای تلویزیونی توسط شکنجه گران حاکم بر ایران خبر دارند. این چیز تازه ای نیست. میخواهند دانشجویان دستگیر شده را در هم بشکنند. میخواهند انتقام بگیرند. پاسخ اعتراضات رویه رشد در دانشگاهها را بدهند. میخواهند عدالت خواهی رو پرشد و چپ تر شدن اوضاع را سد کنند. از گسترش موج و دامنه و عمق مطالبات

تجمع و تحصن اعتراضی کارگران کارخانه شادریس یزد کارگران حداقل ۲ میلیون تومان طلب دارند

حمایت مردم آزادیخواه است.
آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ آذرماه ۱۳۸۶ - ۲۰ دسامبر ۲۰۰۷

نکنند، دست بردار نیستند و به سر کار برنخواهند گشت.
حزب کمونیست کارگری از اعتراض و خواست کارگران کارخانه شادریس یزد حمایت می‌کند و همه کارگران و مردم آزادیخواه را، بخصوص مردم یزد و حومه را به پشتیبانی از مبارزات و خواسته‌های این کارگران فرامیخواند. پیروزی اعتراض کارگران در گرو اتحاد و متحد ماندن کارگران و همچنین

تعدادی از کارگران به اداره کار مراجعه کرده و خواستار رسیدگی به مطالباتشان شده بودند که جوابی دریافت نکردند.
بنا به این خبر که در ویلاگ "کمیته کارگری پویا" درج گردیده است، کارگران التیماتوم داده‌اند که این مرحله اول کارشان است. گفته‌اند که اگر جواب نگیرند به فرمانداری و استانداری و اداره کار مراجعه خواهند کرد و تا حقوقشان را دریافت

مدیریت کارخانه نیز برای جلوگیری از تجمع کارگران در مقابل فرمانداری و اداره کار که قرار بود همین روز انجام شود، به کارگران وعده داده است که تا روز شنبه حقوق آنان را پرداخت خواهند کرد. کارگران گفته‌اند که سه ماه است که حقوق نگرفته‌اند و مدیریت هم جوابشان را نمی‌دهد. هر کدام از کارگران حداقل ۲ میلیون تومان طلب حقوق دارند. بنابر این خبر دو هفته قبل از آن هم

کارگران کارخانه شادریس یزد روز ۲۷ آذرماه در محوطه کارخانه در اعتراض به حقوق معوقه و تعطیلی کارخانه تجمع کردند و خواستار دریافت سه ماه حقوق معوقه خود شدند. بنا به این خبر، کارگران ساعت ۱۰ صبح دستگاہ‌ها را خاموش کرده و گفته‌اند تا دریافت حقوق خود دست از تحصن و تجمع در کارخانه برنخواهند داشت و دستگاہ‌ها را نیز روشن نخواهند کرد.

میتینگ اعتراضی در استکهلم برای آزادی دانشجویان دستگیر شده در ایران

نمایندگان احزاب پارلمانی سوئد طی سخنانی، شدیداً به جمهوری اسلامی اعتراض کردند:

دانشجویان باید هر چه سریعتر آزاد شوند! دولت سوئد باید رسماً جمهوری اسلامی را محکوم کند!

و عقیده را حق همگان و همچنین دانشجویان در ایران دانست و گفت سرکوب تظاهرات صلح آمیز دانشجویان در ایران نقض جدی حقوق بشر و زیرآ گذاشتن کلیه قوانین بین المللی است.

سخنران بعدی منوچهر ماسوری دبیر کمیته بین المللی علیه اعدام بود که در سخنانش به مبارزات دانشجویی برای برقراری آزادی و برابری در ایران اشاره کرد و خواستار آزادی بی قید و شرط دانشجویان شد. وی با اشاره به زندانی بودن شماری از دانشجویان در بند ۲۰۹ زندان اوین، اظهار نگرانی کرد که جمهوری اسلامی در این زندان مخوف هزاران زندانی سیاسی را اعدام کرده است. وی اعلام کرد که تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی و کلیه دانشجویان همچنان ادامه خواهد داشت.

سخنران بعدی ممد امیری بود که به نمایندگی از حزب به ایراد سخنرانی پرداخت. وی با چند سؤال سخنرانیش را شروع کرد. وی از جمله پرسید "به نظر شما کسی که بگوید رفاه برای همه مردم باید دستگیرش کرد و به زندان انداخت؟ اگر کسی شعار دهد آزادی و برابری برای همه، باید دستگیرش کرد و شکنجه اش داد؟ اگر کسی فریاد بزند حق آزادی بیان برای همه باید دست جلو دهانش گرفت و خفه اش کرد؟ وی ادامه داد فکر نمی‌کنم شماها که به حرفهای من گوش می‌دهید مخالف

دستگیری دانشجویان گفت "این تنها کاری نیست که ما می‌کنیم. ما به دولت و وزارت امور خارجه خودمان، سوئد نامه می‌دهیم و اعتراض می‌کنیم و آنقدر به آنها فشار می‌آوریم تا رسماً جمهوری اسلامی را محکوم کنند."

نماینده حزب سبزها و عضو کمیسیون امور خارجه پارلمان سوئد بود که گفت "این اولین باری نیست که در تظاهرات اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی شرکت می‌کنند. و همیشه از خواسته‌های انسانی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی برای

حمایت کنیم و خواستار آزادی آنان شویم."
سخنران بعدی نماینده پارلمانی حزب سبزها و عضو کمیسیون مدرسه و دانشگاه پارلمان "لاگه رام" بود که در سخنرانی اش سرکوب دانشجویان توسط جمهوری اسلامی را به شدت

امروز سه شنبه ۱۸ دسامبر برابر با ۲۷ آذرماه ۱۳۸۶ در ساعت چهار بعدازظهر در مقابل پارلمان کشور سوئد در شهر استکهلم با وجود سرمای گزنده یک اجتماع اعتراضی پر شور علیه جمهوری اسلامی برگزار شد که طی آن شرکت کنندگان شدیداً رژیم اسلامی را محکوم کردند، خواستار آزادی کلیه دانشجویان دستگیر شده در ایران و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی شدند. در این اجتماع شماری از نمایندگان احزاب پارلمانی سوئد شرکت داشتند و به ایراد سخنرانی پرداختند.

این اجتماع با سخنان افسانه وحدت عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری شروع شد. وی ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان، انگیزه اجتماع مردم را اینگونه توضیح داد:

"مردم ایران درگیر یک مبارزه سراسری و گسترده علیه جمهوری اسلامی هستند. زنان، کارگران، معلمان و دانشجویان برای حقوق پایه ای خود دائماً در حال اعتراض و اعصاب هستند. دانشجویان در پی برگزاری مراسم یادبود ۱۶ آذر، خواسته‌های انسانی خود را درباره آزادی بیان، لغو آپارتاید جنسی، رفاه و آسایش برای همگان مطرح کردند که با سرکوب وحشیانه جمهوری اسلامی مواجه شدند. دهها دانشجو دستگیر شده‌اند و مردم و خانواده های ایشان نگران سرنوشت آنها هستند. ما این جا جمع شده ایم که از خواست های انسانی دانشجویان



سخنران بعدی "بنگت برکمن" نماینده سازمان اومانستهای سوئد بود که تظاهرات و اظهار آزادانه نظر

نقض حقوق بشر دفاع کرده است. وی ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی در رابطه با سرکوب و

محکوم کرد و خواستار آزادی فوری دانشجویان دستگیر شد.
سخنران بعدی "بودیل سبالوس"

از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

آیا احیای دو خرداد ممکن است؟

این مطلب را ناصر احمدی
پیاده و تایپ کرده است.

توضیح: این متن از جلسه گفتگوی
سه هفته قبل حمید تقوایی در اینترنت
پیاده شده است

محمد رضا پویا: سؤالم در رابطه با
مواضعی است که جریانات
دو خردادی در رابطه با مسئله جنگ
گرفته اند. اطلاعیه حزب کمونیست
کارگری که در رابطه با شورای صلح
مطرح شده است میگوید که دارد یک
تلاشی صورت میگیرد، تلاشی از
جانب مثلث کروی و رفسنجانی و
خاتمی، تلاشی از جانب کل کمپ
دو خردادی دارد یک جمهوری اسلامی
سازش کرده با آمریکا را پیش میبرد
و باصطلاح توی گیومه یک "جمهوری
اسلامی حقوق بشری" را دنبال
میکند. میخواهم سؤوال کنم که
این تلاش چه نوع تلاشی است؟ آیا
زمینه های اجتماعی هم موجود
است، یا اینکه بحث استحاله
در میان هست و بخشی از سلطنت
طلبان هم دارند یکجوری
حمایتشان میکنند؟ این تمایل
چیست؟ آیا موضوع اینست که
جریان سلطنت طلب هم خودش را
ته این پروسه میبیند و آیا ممکن
است که این پروسه تبدیل به این
شود که آنها نیز در قدرت سهیم
شوند و یا اینکه این تلاش از
همان نوع حمایتهای کلاسیکی
است که سالها جریان دو خرداد
داشته است؟

حمید تقوایی: بله همانطور که ما
در اطلاعیه های حزبی مان گفته
ایم، حرکتی که به بهانه جنگ از
سوی نیروهای اپوزیسیون
ناسیونالیستی و ناسیونال اسلامی
شروع شده هدفش اینست که
باز هم بخشی از رژیم را جلو بیاورد
و بعنوان جریان بهتر حکومتی
برای مردم مطرح کند. کاری که
دو خرداد همیشه میکرد حالا
اینبار در شکل دفاع از جناح صلح
طلب در قبال جناح جنگ افروز

مطرح میشود و این صلح طلبها
هم معلوم هست که کی ها هستند،
کروی و رفسنجانی و خاتمی و غیره،
و حتی اینها طرح انتخاباتشان را هم
داده اند و دارند میروند پشت
انتخابات. و بخشی از سلطنت
طلبان را هم دارند با خودشان
میبرند.

این حرکت هیچ ربطی به تهدید و
حمله نظامی ندارد، بلکه سیاست
سازشکارانه ایست که تنها تحت
بهانه جنگ دارد مطرح میشود.
دارند تلاش میکنند دو خرداد رسوا و
منزوی شده را احیا کنند و دوباره یک
اسلام باصطلاح نرم و لطیف و
"حقوق بشری و دموکراتیک" را به
جامعه بفروشند. خطر جنگ را بزرگ
میکند برای آنکه هنوز جنگ نشده
پرچم صلح را بلند کنند و اینطور
نشان بدهند که گویا تنها مسئله
جامعه جنگ است و گویا تحت تاثیر
جنگ جامعه اساسا منجمد شده و
هیچ اعتراض و مبارزه ای در کار
نیست و خواست همه مردم جامعه
هم صلح است و پس از نظر اینها راه
برون رفت از جنگ هم اینست که یک
انتخابات برگزار شود و جناح جنگ
طلب رژیم مثلا احمدی نژاد برود
کنار و جناح صلح دوستها سرکار
بیایند!! این تمام داستان است و هیچ
جزئی از این سیاست هم با واقعیت
جامعه جور در نمی آید. جامعه هزار
و یک درد دارد که سر آنها دارد
مبارزه میکنند و کارگران و
دانشجویان و جوانان و زنان هیچکدام
مرعوب فضای جنگی دست ساز
اینان نشده اند.

اما اینکه آیا در جامعه زمینه
های بازگشت این نیروهای نوع
دو خردادی هست یا نه، بنظر من هیچ نوع
زمینه ای وجود ندارد. نمیشود که
جامعه دو بار به یک موضع برگردد،
یکبار در دوره اول انتخاب خاتمی
بخشی از مردم از روی توهم و البته
بخش بیشتری هم از سر امکان گرایی
رفتند پشت سر دو خرداد، ولی
جامعه یکبار برای همیشه
"اصلاح طلبی" نوع دو خردادی را
تجربه کرد و از آن عبور کرد.

مبارزه ای که علیه دو خرداد شد
و بخصوص مبارزه حزب ما که
برخلاف بخش اعظم اپوزیسیون که
بدنبال دو خرداد افتاده بودند جلوی
دو خرداد ایستاد، همه اینها تاثیر
خودش را گذاشت و امروز دو خرداد
در جامعه و جنبشهای اعتراضی
مردم هیچ جایگاهی ندارد. مردم نه
فقط از شخص خاتمی بلکه بطور
کلی از خط و از سیاست و پروژه
دو خردادی و از آن دید اصلاح طلبی
خط تسامح و تساهل و غیره عبور
کرده است. خود دو خردادی هم اینرا
دید، هر ناظر سیاسی هم دید و خود
مردم هم اعلام کردند که دیگر حنای
این جناح و این خط دو خردادی رنگی
ندارد و راه بجایی نمیرد، و در مقابل
جامعه هرچه بیشتر با افق چپ و
انقلاب و با نقد انسانی و
سوسیالیستی به کنار گذاشتن کل
حکومت روی آورد و این جهت را
گرفت و در حرکت اجتماعی و
سیاسی اجتماعی هم بطور روشن
همین حرکت را میبینیم که هنوز هم
ادامه دارد گسترده تر میشود.

امروز کلا کل اپوزیسیون راست
اعم از ملی اسلامیون و راست پرو
غرب، حاشیه ای شده است. دوره ای
بود که دو خرداد و بخشی از سلطنت
طلبها برویایی داشتند و بحث تغییر
قانون اساسی و بحث اسلام
دگراندیش مطرح بود و بحث
پروتستانسیسم اسلامی را طرح
میکردند، و از جانب سلطنت طلبها
هم بحث فراندوم و بحث نافرمانی
مدنی مطرح میشد. ولی الان دیگر
میبینیم که همه اینها کنار زده شده
اند و میبینیم که اینها در دل جامعه
و در حرکتها و اعتراضات مردم
جایی ندارند و کلا حاشیه ای شده
اند. اکنون آنچه که ما میشنویم و
میبینیم اساسا شعارها و بیانیه ها و
بزرگ نویسی های چپ و رادیکال و
سرخ و سرود انترناسیونال است.
آنجایی که جامعه دارد اعتراض
میکند میبینیم که به این زبان حرف
میزنند و با این زبان اعتراض
میکند. جنبش های ملی اسلامی
و ناسیونالیسم عظمت طلب کاملا
منزوی هستند و حاشیه ای شده اند
در مقابلشان جنبش کمونیسم
کارگری و آزادی و برابری و
سوسیالیسم است که هر روز زمینه
بیشتری پیدا میکند. بنابراین به
نظر من احیا شدن و تولد مجدد
دو خرداد دیگر یک توهم است. زیر
پرچم صلح و یا انتخابات آزاد و زیر

هیچ پرچمی این جنبش هیچ شانسی
ندارد که یکبار دیگر در میان جامعه
و مردم مطرح شود. جامعه از آن
عبور کرده است و تاریخ را نمیشود
تکرار کرد.

اما در میان خود اپوزیسیون
بورژوازی مسئله فرق میکند. این
نیروها از این حرکت و قدرت گیری
چپ شدیداً در هراسند و ما اینها را
همیشه نیروهای ترسان از انقلاب
خطاب کرده ایم. نیروهای دو خرداد و
سلطنت طلبها از حرکت رادیکال و
چپ و مردم و از حرکت سوسیالیستی
و انقلابی مردم جامعه هراسانند و در
مقابل آن می ایستند چرا که
میدانند که منافع طبقاتیشان در
خطر میافتد، و میدانند که هدف این
اعتراضات صرفاً این نیست که
آخوندها را کنار بزند بلکه این حرکت
اعتراضی و سوسیالیستی جامعه کل
این سیستم سرمایه را زیر رو خواهد
کرد، و بهمین خاطر هم هست که
غریزه طبقاتیشان میگوید که در
مقابل این حرکت سوسیالیستی
جامعه بایستند. اینها همیشه با
صراحت خط ضدیت با انقلاب را
دنبال کرده اند، و صریحاً انقلاب ۵۷
را بعنوان یک اشتباهی که باید از آن
درس عبرت گرفت ذکر میکنند تا
بگویند که دوران انقلاب و عصر
انقلابیگری بسر رسیده است. مشکل
اینها مشخصاً انقلاب سوسیالیستی
است که امروز در حال شکل گیری
است. بهمین خاطر است که اکنون
دو خردادها و بخشی از سلطنت
طلبها در برابر جنبش سرنگونی
طلبانه و رادیکال مردم، تحت نام
صلح و تحت نام آزادی انتخابات جلو
میایند و دوباره وارد میدان میشوند
و بهم نزدیک میشوند.

بنظر من هم اکنون در
اپوزیسیون یک قطب بندی جدیدی
دارد صورت میگیرد که محور آن
مقابله با جنبش کمونیسم کارگری و
ترس از نقد و اعتراض سوسیالیستی
است که دارد بطور مدام در جامعه
رشد میکند و هرچه بیشتر رنگ
خودش را بر اعتراضات جامعه
میزند. در مقابل این حرکت چپ
و رادیکال و اعتراضی جامعه،
جنبشهای طرفدار طبقه حاکمه و
جنبشهای بورژوازی موجود در
اپوزیسیون دارند بهم نزدیک
میشوند. بهمین خاطر است که
چه دو خردادها و چه سلطنت
طلبان که همه امیدشان به
آمریکاست سعی میکنند که

آلترناتیو جدیدی ارائه بدهند و به
همین علت است که علم صلح و
دموکراسی را بلند کردند. این
سیاست در واقع پیامی به غرب
است که ما داریم در چهار چوب
دموکراسی و سیاستهای شما حرکت
میکنیم، دارند میگویند که اگر شما
بدنبال نیروهایی هستید و میخواهید
از آنها حمایت کنید بیاید سراغ ما.
علاوه بر سلطنت طلبها که کار
همیشگی شان این بوده است، امروز
ملی اسلامیها هم دارند این ساز را
میزنند. شخصیتهای دو خردادی از
طریق سخنرانیها و توره های سیاسی
که در آمریکا و در اروپا بر اه انداخته
اند و در ملاقات های نیمه علنی و
نیمه مخفیشان با دولت آمریکا و
دیگر دولتهای غربی همه جا دارند
اینرا پیش میبرند و اینرا میگویند.
این بساط در قبال شعار "آزادی و
برابری" که جهت اصلی جامعه است
براه افتاده و بنظر من این اصل
ماجراس است.

وظیفه ما بعنوان حزب
کمونیست کارگری اینست که مثل
همیشه اینها را نقد و افشا کنیم و
پروژه صلح طلبی و بحث انتخاباتشان
را افشا کنیم و مدام چهره واقعی
اینها را به مردم نشان دهیم و نشان
مسیر نمیکرد. هر کس واقعا صلح
و آرامش میخواهند باید برای
سرنگونی کل حکومت و تحقق
برابری و آزادی مبارزه کند. راه
دیگری وجود ندارد. نمیشود که
اینهمه بی حقوقی و فقر و تبعیض در
جامعه باشد و در عین حال صلح و
آرامش هم داشته باشیم! پرچم
انسان و انسانیتی که حزب
کمونیست کارگری در این جامعه
بلند کرده است به جنگ همه این
نیروها میورد، به جنگ حکومت
اسلامی و تمام نیروهایی که ظاهراً
در اپوزیسیون هستند اما در واقع به
عمر این حکومت اضافه میکنند.
نیروهائی که ما اسم آنها را بدستی
اپوزیسیون پرو رژیم گذاشته ایم.
اینها نه تنها امروز سرنگونی
نمیخواهند بلکه میخواهند که
حکومت و کل نظام سرمایه را
نگهدارند. در مقابل با "خطر انقلاب
و سوسیالیسم اینها حاضرند به هر
معامله و سازشی با ارتجاعی ترین
نیروها و حکومتها تن بدهند و اینرا
دارند با سیاستهای جدیدشان هم نشان
میدهند.*

اطلاعیه برگزاری جلسه کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران



از راست به چپ: خلیل کیوان، مینا احدی و حن صالحی
اعضای هیئت اجرایی کمیته خارج کشور

جلسه کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران روزهای شنبه و یکشنبه ۱۵ و ۱۶ ماه جاری (دسامبر) با حضور اکثریت اعضا کمیته خارج و تعدادی از مسئولین سازمان های کشوری تشکیلات خارج حزب در استکهلم برگزار گردید. رئیس هیئت دبیران حزب، اصغر کریمی در روز اول جلسه شرکت داشت.

در ابتدا دستور جلسه تصویب شد. دستور جلسه عبارت بود از:
۱- گزارشات و بحث در باره آنها
۲- وظایف فوری تشکیلات خارج
۳- برگزاری کنفرانس خارج کشور حزب و
۴- آرایش و انتخابات رهبری تشکیلات خارج.

اسناد این نشست شامل گزارش و ضمام آن در ۱۶ صفحه، سندی در باره فوری ترین وظایف تشکیلات خارج و قراری در باره برگزاری کنفرانس تشکیلات خارج و آئین نامه برگزاری کنفرانس و همچنین نوع آرایش و رهبری تشکیلات خارج کشور طی دو روز مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در مبحث گزارشات به ترتیب خلیل کیوان، اصغر کریمی و غلام اکبری هر یک بحثی در باره فعالیت های حزب در خارج ارائه دادند. ابتدا خلیل کیوان بحثی تحت عنوان دو تصویر که موقعیت سیاسی - جنبشی و موقعیت سازمانی - حزبی کمونیسم کارگری را تصویر

تشکیلات خارج و بالابردن آمادگی سیاسی و سازمانی حزب در خارج از طرق مختلف: انتشار سند وظایف، گفتگو و مصاحبه های نوشتاری و تصویری و همچنین با حضور در واحدهای مختلف حزب و برگزاری جلساتی با کادرها و اعضای حزب فعالانه اقدام خواهد کرد.

کمیته تشکیلات خارج کشور حزب همه واحدهای تشکیلات خارج کشور حزب و کلیه اعضا و فعالین حزب در خارج را برای بهبود و گسترش فعالیت های حزب در جهت مباحث و سیاست های مصوب کمیته خارج فرا میخواند.

مورد بحث قرار شد و پیشنهاداتی عملی در مورد آن مطرح شد. بخش پایانی جلسه در باره نوع آرایش و رهبری تشکیلات خارج بود. کمیته تصویب کرد که یک هیئت اجرائی سه نفره برای رهبری فعالیت های خارج کشور حزب در فاصله دو نشست کمیته خارج انتخاب گردد. از این رو علاوه بر دبیر دو نفر دیگر برای عضویت در هیئت اجرایی انتخاب شدند. در ابتدا خلیل کیوان به دبیری کمیته، سپس مینا احدی و حسن صالحی برای عضویت در هیئت اجرایی کمیته تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران انتخاب شدند.

کمیته خارج برای روشنتر شدن جهت گیریها و وظایف این دوره

گیریها و پیشنهادات توسط هیئت اجرائی منتخب تکمیل و تنظیم و برای انتشار آماده شود. کمیته تصویب کرد که کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب در اواخر ماه مارس بطور علنی برگزار گردد. کمیته به هیئت اجرایی منتخب اختیار داد که تاریخ، محل و همچنین آئین نامه انتخاب نمایندگان را روشن کند.

در روز دوم جلسه در مورد دستگیری دانشجویان و مساله زندانیان سیاسی بحث و تبادل نظر شد و ضمن تاکید بر کمپین حزب برای آزادی دستگیر شدگان در باره اقدامات گسترده تر تشکیلات خارج کشور در این زمینه بحث و تبادل نظر شد. همچنین ۸ مارس سال آینده نیز

دستگیری دانشجویان توسط جمهوری اسلامی اعتراض کند.

در پایان افسانه وحدت از طرف برگزارکنندگان این اجتماع از شرکت کنندگان و همچنین سخنرانان تشکر کرد و قول داد که همچنان پیگیرانه برای آزادی دانشجویان تلاش خواهد شد. اجتماع اعتراض مردم با شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد" و "سرنگون باد جمهوری اسلامی" به پایان رسید.

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران- سوئد

۱۸ دسامبر ۲۰۰۷

اسلامی و دستیابی به آزادی حمایت کرد.

سخنران بعدی مهناز ماسوری عضو شورای مرکزی "علیه تبعیض" - سازمان دفاع از حقوق زن بود که ضمن محکوم کردن سرکوب و دستگیری دانشجویان گفت "جمهوری اسلامی تلاش می کند تا دانشگاهها در ایران به زندان تبدیل کند. مقررات و قوانین اسلامی را می خواهند با توسل به پلیس دانشگاه به دانشجویان تحمیل کنند ولی دانشجویان با اعتراض به جداسازیهای جنسی به مقابله با جمهوری اسلامی برخاسته اند." وی ضمن حمایت از خواستهای انسانی دانشجویان از دولت و پارلمان کشور سوئد خواست که سریعاً به سرکوب و

توقف سرکوب آنان توسط جمهوری اسلامی شد.

سخنران بعدی "آونی درویش" نمایند حزب مردم سوئد بود که ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی برای زیر پا گذاشتن حقوق اولیه و پایه ای مردم ایران و دانشجویان گفت "سرکوب خاص تنها کشور ایران نیست و در خاورمیان کشورهای عراق و دیگران همچنان مردم را سرکوب و خواستهای دمکراتیک آنان را زیر پا می کنند." وی ضمن دفاع از خواستهای دانشجویان ایران گفت تا زمانی که جمهوری اسلامی در حاکمیت هست این مبارزات ادامه دارد. وی در پایان از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری

از صفحه ۶ میتینگ اعتراضی ...

می خواهیم که سفیر حکومت تروریستی اسلامی را فرا خوانده دستگیری دانشجویان را محکوم کرده، خواهان آزادی بیدرنگ و بدون قید و شرط آنها شوند. سخنران بعدی "آوا لارشون" دبیر سازمان زنان حزب سبزها بود که ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی گفت حتماً نباید عضو حزب سبزها، سوسیال دموکراتها و یا کمونیستها بود که از حقوق پایه ای و انسانی دانشجویان و مردم در ایران دفاع کرد. هر انسانی باید از این خواست های انسانی و برحق دفاع کند. وی از طرف سازمان متبوعش خواستار آزادی فوری دانشجویان و

هیچکدام از این خواستها باشید. این ها همه خواستها و شعارهای دانشجویان است که توسط جمهوری اسلامی دستگیر شده اند و اکنون در زندان تحت شکنجه و اذیت و آزار هستند. وی در پیامی به دانشجویان زندانی، تاکید کرد "قول می دهیم که با تمام توان برای آزادی شما تلاش خواهیم کرد". او ادامه داد الان سال ۶۰ یا ۶۷ نیست که فعالان سیاسی را با دادگاه های ۳ دقیقه ای اعدام کنند. امروز نام و عکس دانشجویان از طریق اینترنت در دسترس بوده و افکار عمومی جهان از وجود این زندانیان با خبرند. ما از نخست وزیر و وزیر امور خارجه سوئد